



دیدگاه

شماره: ۹۰۱	موضوع: تنظیم گری یکپارچه لازمه حمایت از تولید داخلی
تاریخ: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱	
تهیه و تنظیم: مجتبی یوسفی دیندارلو و الهام اسمعیلی پور ماسوله	
توضیح اجمالی: وجود تنظیم گری یکپارچه و هماهنگ در سه سطح کلان، بخشی و بازاری لازمه حمایت از تولید داخل است. یک بنگاه تولیدی و صنعتی اگر چه از جهت تامین مواد اولیه و واسطه ای، ماشین آلات و تجهیزات مورد نیاز تولید و همچنین فروش محصول خود با بازار کالا و خدمات سروکار دارد، اما فرآیندهای تامین، تولید، توزیع و فروش آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم متأثر از عملکرد سایر بازارهای اقتصادی نظیر بازار کار (تامین نیروی کار کیفی و توانمند متناسب با نیاز صنعتگر)، بازار پول (هزینه های مالی تامین سرمایه در گردش و سرمایه ثابت)، بازار ارز و ... است. از این رو است که آثار عملکرد نهادهای تنظیم گر در حوزه های مختلف سیاست گذاری در بازار حقیقی کالا و خدمات بخوبی قابل مشاهده است (نظیر تاثیر افزایش قیمت بنزین بر افزایش قیمت برخی کالا و خدمات).	
❖ تنظیم گری در سطح کلان و اثرات آن بر تولید داخل بازار متشکل از تولیدکنندگان (بنگاه های تولیدی و خدماتی)، مردم (مصرف کنندگان)، اقتصاد خارجی (در حوزه صادرات و واردات) و دولت (از منظر کلیه جوانب حاکمیتی و نیز مواردی نظیر مخارج دولتی و پرداخت انتقالی) است که هریک عملکرد خاص خود را از این بازار انتظار دارند و گاه منافع آن ها در تضاد با یکدیگر است. از این رو، در شرایطی همانند شرایط حاکم بر اقتصاد ایران که شکست بازار وجود دارد، بازارها رقابتی نیستند، شفافیت کماکان موضوع چالشی است و از سوی دیگر پاسخگویی به نیازهای بخش حقیقی و مولد توسط نظام پولی و مالی کشور کفایت همه نیازهای مربوطه را نمی نماید، تنظیم منافع متضاد ذینفعان بازار بویژه در حوزه تولید و مصرف بسیار با اهمیت است، زیرا	
• اولاً بواسطه کاهش قدرت خرید خانوار در نتیجه بالا رفتن نرخ تورم، منافع دو گروه مصرف کننده و تولیدکننده در تعارض شدید با یکدیگر قرار گرفته است؛ در چنین شرایطی عدم توجه به منافع مصرف کننده می تواند منافع تولیدکننده را نیز در میان مدت و حتی کوتاه مدت از طریق کوچک نمودن تقاضای مقابل بنگاه ها تهدید نماید، لذا تنظیم مناسب بازار می تواند وضعیت تثبیت شده تری را در بازار ایجاد نموده و منافع نسبی را برای هر دو گروه حفظ نماید. • ثانیاً چند نرخی بودن ارز و امکان بروز فساد ناشی از آن، عامل تهدید کننده کسب عملکرد مناسب بازار در بخش حقیقی است. ایجاد رانتهای صادراتی غیرمولد، عدم دستیابی مصرف کننده به اقلام ضروری و افزایش افسار گسیخته قیمت و نیز تهدید خطوط تولیدی از پیامدهای انتظاری مرتبط شناسایی می گردد که به موجب آن شوک وارد شده از بخش مالی به بخش حقیقی اقتصاد به علل برشمرده تقویت شده و در ادامه می تواند شوک قوی تری را از حوزه مالی اقتصاد به بخش مالی باز نشر دهد که پیامدهای ماریپیچی تورم رکودی در تعامل بخش حقیقی و بخش مالی اقتصاد را به دنبال خواهد داشت.	
بنابراین حضور مقام تنظیم گر و ناظر کارآمد می تواند تا حد مطلوبی چالش های فوق الذکر را تضعیف نماید.	
❖ تنظیم گری در سطح بخشی و اثرات آن بر تولید داخل سیاست های دولت در حوزه تجارت نظیر محدودیت یا ممنوعیت واردات، اخذ عوارض صادراتی و امثالهم از جمله مقررات بخشی هستند که اثرات مستقیم مثبت و منفی بر فرآیند تولید و اندازه بازار محصولات داخلی دارد. به عنوان نمونه اخذ عوارض صادراتی از مواد معدنی که زنجیره تولید آن ها در داخل شکل نگرفته است یا میزان تولید بیش از نیاز داخل است به کاهش بازدهی تولید، کوچک شدن اندازه بازار و نیز کاهش نرخ ماندگاری این اقلام منجر خواهد شد. بنابراین ضروری است در تدوین سیاست های بخشی خصوصاً در زمینه تجارت، توانمندی ها در طول زنجیره تولید و ارزش داخلی مبنای تنظیم گری قرار گیرد.	
❖ تنظیم گری در سطح بازار و اثرات آن بر تولید داخل	



دیدگاه

تغییر راهبردهای اقتصادی در کوتاه مدت و یا عملیاتی نمودن راهبردهای تعیین شده قبلی که نیازمند تعدیل های بزرگ اقتصادی بوده و به صورت قوی عملیاتی نشده حوزه دیگری است که نیازمند وجود هماهنگی میان تنظیم گران تولید و بازار با تنظیم گر کلان است. به عنوان نمونه می توان به نهضت ساخت داخل که در راستای محدودیت تخصیص ارز و کاهش فشارهای ناشی از آن در حال اجرا است، اشاره داشت. اگر چه در ذات این رویکرد یک تغییر راهبردی ملاحظه می گردد که نیازمند سیاست گذاری های جدید و برنامه های عملیاتی ویژه خود می باشد اما چنین تغییر راهبردی بدون سیاست گذاری و برنامه های عملیاتی قبلی (که خود نیازمند حضور فعال مقام تنظیم گر در حوزه تولید و بازار است) گاها منجر به تشدید شکست بازار و در ادامه آن سرکوب قیمتی و اقدامات ضد بازاری شده و غالباً چالش های بزرگی را در عملیاتی نمودن راهبردها ایجاد می نماید.

نکات کلیدی:

مشارکت موثر نهادهای تنظیم گر بخشی و بازار با تنظیم گران کلان قبل از عملیاتی نمودن سیاست های کلان اقتصادی بویژه در حوزه مالی (بانک مرکزی، بورس و ...) در راستای بستر سازی و ایجاد آمادگی مناسب در بخش های تولید کشور بسیار مهم ارزیابی می شود، زیرا بسیاری از فعالیتهای تنظیم بازار کنونی مربوط به پس از وقوع شوک بوده و بعضاً تبعات آن موجب تهدید منافع گروهی از ذینفعان شده و فرصت های سفته بازی را برای گروهی از آنها فراهم می سازد. از این رو، تنظیم گر کلان می بایست از امکانات بخش و بازار برای پیش آگاهی سیاست ها و ایجاد فضای لازم برای اجرای این سیاست ها بهره گیرد تا سیاست های اقتصادی با حداقل هزینه و بیشترین کارایی عملیاتی شوند. بر این اساس موارد زیر در جهت تنظیم گری یکپارچه پیشنهاد می شود:

▪ دو موضوعی که در حوزه تنظیم گری می بایست مدنظر قرار گیرند عبارتند از:

○ رصد تحولات سیاسی تاثیرگذار بر متغیرهای کلان

بررسی و پایش تحولات سیاسی منطقه ای و جهان در راستای پیش بینی و شناسایی شوک های بیرونی اثرگذار بر متغیرهای کلان اقتصادی و انجام اقدامات پیشگیرانه با هدف کاهش اختلالات ناشی از این نوسانات بر اقتصاد کشور علی الخصوص بخش های مولد اقتصاد؛

○ رصد زنجیره های تولید و تامین کالاها با استفاده از ظرفیت های فناورانه

دیده بانی عملکرد کلیه فعالان در حلقه های زنجیره تولید در راستای جلوگیری از بروز مخاطرات اخلاقی در بازار نظیر احتکار، گرانفروشی و ... در برخی از حلقه های تولید و تسری اثر قیمتی آن به محصول نهایی مورد نیاز مصرف کننده نهایی (خانوار / تولید کننده).

▪ به منظور اجرایی سازی موارد برشمرده در بند قبل و سیاست گذاری فعالانه، پیشنهاد می شود از ظرفیت های «کمیته اقتصاد کلان کارگروه تنظیم بازار» استفاده شود. بدین منظور لازم است این کمیته متولی رصد تحولات سیاسی تاثیرگذار بر متغیرهای کلان شده و همچنین به منظور تنظیم گری در سطوح تولیدی هم لازم است کمیته های کالایی کارگروه تنظیم بازار، ضمن رصد مستمر تحولات سیاست ها، پشتیبانی های لازم را از تصمیم گیری در کارگروه ملی و استانی انجام دهند.